

به حکم صادق خلخالی ۱۴۵ افسر ارتش بر کنار شدند



طبق حکم شیخ صادق خلخالی قاضی شرع دادگاه انقلاب، از هفدهم بهمن ماه ۱۳۵۸، ۱۴۵ افسر ارتش ایران (نیروهای زمینی، هوایی و دریایی) برکنار و ممنوع الخروج از کشور شدند. یکی از برکنار شدگان یک ارتشبد بود و بقیه از سروان تا سپهبد. بیشتر این شمار، درجه سرتیپی داشتند.

خبرنگاران به نقل از خلخالی نوشته بودند که برکنارشدگان با انقلاب موافق نبودند و از تبلیغ علیه انقلاب خودداری نمی کردند. به علاوه طبق اطلاعات به دست آمده برخی از آنان قبلاً مرتکب سوء استفاده از مقام شده بودند که نیاز به رسیدگی بیشتر دارد. پس از آغاز جنگ عراق با ایران در اواخر شهریور سال بعد (سال ۱۳۵۹) برخی از این افسران داوطلبانه به ارتش بازگشتند تا در دفاع از کشور شرکت کنند.

➤ [بازگشت افسران ارتش به کشور](#)

تغییر نظر ۱۸۰ درجه‌ای مجلس شورای ملی در هفت روز!



مروری بر رویدادهای سیاسی نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۲۱ ایران؛ یک تغییر نظر ۱۸۰ درجه ای مجلس شورای ملی را نشان می دهد که در کشورهای دیگر کمتر سابقه دارد. پارلمان ایران در پی کنلگیری ده وزیر کابینه قوام السلطنه نخست وزیر وقت، هفدهم بهمن ماه ۱۳۲۱ در یک رای گیری وی را در سمت نخست وزیری تثبیت کرد تا کابینه تازه تشکیل دهد. همین مجلس یک هفته بعد، در حالی که قوام هنوز نخست وزیر بود، در یک رای گیری دیگر ابراز تمایل به نخست وزیری علی سهیلی کرد که جای قوام را گرفت و سه روز بعد وزیران خود را معرفی کرد!. در هر دو کابینه الهیار صالح وزیر دارایی بود که دو ماه بعد بر اثر اختلاف با دکتر میلیسو مستشار آمریکایی مالیه کناره گیری کرد. در زمان دولت علی سهیلی بود که لایحه مهم آموزش و پرورش عمومی، یکسان و رایگان به صورت قانون در آمد.

➤ [تغییر نظر ۱۸۰ درجه‌ای مجلس شورای ملی در هفت روز!](#)

بخشودگی فرماندار فارس و جنگ با عثمانی بر سر ارمنستان



بهمن ماه ۱۱۲۳ هجری شمسی نادر شاه محمدتقی شیرازی فرماندار فارس را که نافرمانی کرده بود پس از دستگیری مورد بخشودگی قرارداد و مشاور خود کرد.

محمدتقی (محمدتقی خان) که قبلاً به دستور نادر با سپاهی به مسقط و بحرین رفته و امیران عُمان و بحرین را که اواخر عهد صفویه و با استفاده از ضعف دولت نافرمان شده و راه استقلال در پیش گرفته بودند سرکوب کرده بود در بازگشت به شیراز به شکلی سرکش شده بود که مغلوب نادر شده شد و چون پوزش خواست، نادر او را نظر به خدمات پیشین وی به کشور و داشتن مملو مات استرژتیک بخشید و با خود به جنگ با عثمانی بُرد که همان سال روی داد. در این جنگ که در ناحیه مُرادتپه (۶ کیلومتری شهر ایروان) صورت گرفت، سپاه عثمانی که به قصد تصرف ارمنستان شمالی تا ایروان پیش آمده بود به سختی شکست خورد. دوران پیروزی‌های طلایی ارتش ایران پس از سقوط نادر شاه دیگر تکرار نشد و بخش قابل توجهی از هویت ملی ایرانیان در نتیجه سیاست‌های اشتباه و خطاکاری‌های پادشاهان مورد تاراج بیگانگان واقع شد. گرچه انتقادات فراتنی به عملکرد نادرشاه افشار وارد است و او مرتکب‌های خطاهایی بزرگ شد، اما در خصوص بازیابی فرهنگ ملی نقشی بسزا و موثر داشت.

➤ [سقوط نادر شاه دیگر تکرار نشد و بخش قابل توجهی از هویت ملی ایرانیان در نتیجه سیاست‌های اشتباه و خطاکاری‌های پادشاهان مورد تاراج بیگانگان واقع شد. گرچه انتقادات فراتنی به عملکرد نادرشاه افشار وارد است و او مرتکب‌های خطاهایی بزرگ شد، اما در خصوص بازیابی فرهنگ ملی نقشی بسزا و موثر داشت.](#)

سالروز انتشار نخستین نشریه دانشگاهی



اواخر ژانویه سال ۱۸۷۸ میلادی دانشگاه آمریکایی «ییل» نخستین نشریه دانشگاهی به نام «ییل نیوز» را منتشر ساخت و دانشگاه‌های دیگر از آن اقتباس کردند. دیوان عالی آمریکا حکم داده است: از آنجا که نشریات دانشگاهی با کمک هزینه دولت انتشار می یابند، حق گرفتن آگهی تجاری و تفرروشی ندارند. انتشار نشریات دانشگاهی و فعالیت محدود مطبوعاتی دانشجویان به هنگام تحصیل تأثیرات بسیار عمیق در حوزه‌های متنوع فرهنگی بر روی آنان دارد. حوزه‌هایی که می‌تواند و باید بسیاری از ساختارهای اندیشه‌ورزی نزد دانشجویان را طی سال‌های بعد و در فعالیت‌های حرفه‌ای سامان داده و مشخص کند. در حقیقت انتشار نشریات دانشگاهی نقطه عطفی در مواجهه دانشجویان با مسائل پیرامونی، جامعه، سیاست، فرهنگ، هنر، اقتصاد و اجتماع است. بهترین مشق برای دانشجویان که بتوانند موضوعات را به شکل واقعی درک کنند.



بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی با پدیده

دموکراسی به شکلی محافظه‌کارانه و محتاط برخورد می‌کنند. نوعی از محافظه‌کاری که حکایت از تردیده‌های جدی آنان نسبت به وضعیت و شرایط موجود در کشورهایی با مثنی و مشروب سیاسی دموکراتیک دارد. بدون تردید پدیده دموکراسی از آن دست تجربیاتی است که نمی‌تواند مورد انکار قرار گیرد و احترام همگان را برمی‌انگیزد. اما همین تجربه ارزنده و ارزشمند هم گاهی و حتی بسیار بیشتر از گاهی، با چالش‌ها و مسائل بسیار بزرگی روبرو می‌شود.

از جمله این مسائل می‌توان به بروز مسئله سفیدها در آمریکا- به ویژه در آمریکای دوره ترامپ- اشاره کرد. رویکردهای به شدت رادیکال و مواضع به غایت نژادپرستانه سکنادار ایالات متحده در خصوص مواجهه با رنگین‌پوستان، برای بسیاری از مدافعان حقوق بشر مسئله‌ساز شده است. تردیدی نیست که ترامپ بی‌مهابا آن‌چه را که می‌خواهد انجام می‌دهد و در طین سیاست‌های اجتماعی و داخلی‌اش، سیاه‌پوستان این کشور را شهروندانی درجه دو می‌داند. البته ترامپ در آمریکا نمونه‌های مشابهی هم داشته است. گرچه این نمونه‌ها هرگز در سطح روسای جمهوری و سطوح بالای مدیریتی رد و نشانی نداشتند، ولی در بدنه جامعه آمریکایی فراوان بوده و حضور چشم‌گیر را به نمایش گذاشته‌اند. از جمله این موارد برخورد گروهی از مردم آمریکا با رزالی پارکر است. بانویی که استقامت او در احقاق حقتش موجب شد جنبشی بسیار مانا و پایدار در آمریکای آن روزگار شکل بگیرد.

شاید بتوان ترامپ را نمونه‌ای از سفیدپوستانی دانست که در اول دسامبر ۱۹۵۵ سعی کردند رزالی پارکز را از صندلی انوبوسی که در آن نشسته بود، پیاده کنند. از همان دسته نژادپرستانی که او را دستگیر و روانه زندان کردند. بازخوانی این پرونده به بهانه زادروز او، می‌تواند ایجاد تازه‌ای از عمق فرهنگی برخی چهره‌های سیاسی در آمریکا را بازنمایی کند.

رزالی پارکز در چهارم فوریه سال ۱۹۱۳ به دنیا آمد. او در یک خانواده سیاه پوست در شهر «تاسکجی» واقع در ایالت جنوبی آلاباما زندگی کرد. پدرش نجار و مادرش آموزگار بود و خود او بعدا به کار دوزندگی سرگرم شده بود. او در محیطی زندگی می کرد که میان سیاه پوستان و سفید پوستان تبعیض و جدایی بود و رنگ پوست ملاک برتری انسان بود.

➤ [بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی با پدیده](#)

به بهانه زادروز رزالی پارکر بررسی شد

دام گسترده نژادپرستی



بخشی از این تبعیض‌ها را می‌توان نداشتن حق نشستن سیاه پوستان روی صندلی‌های ردیف‌های جلویی اتوبوس‌های شهری مشاهده کرد. تازه اگر صندلی برای نشستن وجود نداشت و یک سفید پوست وارد اتوبوس می شد، سیاه پوست باید صندلی اش را به او می‌داد. این دیگر نشانه‌های تبعیض نژادی در آمریکای دهه پنجاه می‌توان به جدایی مدارس سفید پوستان و سیاه پوستان اشاره کرد. رزا و بسیاری دیگر از فعالان جنبش مدنی سیاه پوستان از این وضعیت خسته شده بودند.

نحوه برخورد سفید پوستان با سیاهان آمریکا به ویژه در ایالت‌های جنوبی به شکلی بود که آسانه تحمل‌پذیری سیاه پوستان را به شدت کاهش داده بود و سیاهان در برخی از شهرها به انبار باروتی تبدیل شده بودند که هر آن امکان انفجار داشتند. جالب اینکه این وضعیت به هیچ روی مورد توجه سیاستمداران وقت آمریکا نبود و بی‌توجه به این مسئله سعی در بازتعریف رویای معروف آمریکایی داشتند. این بی‌تفاوتی هم به عنوان کانالیزور جریان سیاهان عمل می‌کرد و بر شدت خشم آن‌ها از وضعیت موجود می‌افزود. در این میان نکته جالب را می‌توان در نحوه مبارزه سیاه پوستان دانست. جنبش مدنی سیاهان آمریکا هرگز به یک جنبش رادیکال و خشونت‌طلب تبدیل نشد. شخصیت‌های برجسته این جنبش همواره بر مخالفت مدنی و حفظ امنیت

بخشی از این تبعیض‌ها را می‌توان نداشتن حق نشستن سیاه پوستان روی صندلی‌های ردیف‌های جلو اتوبوس در آن ایالت جریمه نقدی دانست. تا آمدن پلیس، بسیاری از مسافران اتوبوس که برای رسیدن به محل کار عجله داشتند پیاده شدند و یکی از آنان به روزنامه شهر تلفن کرد و عکاس از این صحنه عکس گرفت. پلیس رزا را به دادگاه برد و جریمه شد. انتشار عکس و گزارش کار او و اظهاراتش دربار‌جوبی پلیس در روزنامه شهر، در جهان همانند یک بمب خبری عمل کرد و این عکس در بیشتر روزنامه‌های جهان به چاپ رسید و جنبش مدنی آمریکا پر شدت فعالیت خود افزود. مارتین لوتر کینگ رهبر جنبش راهپیمایی های چند صد هزاره نفری برپا کرد و با این که جان خود را برسر

راه طولانی تا تحقق کامل رویای مارتین لوتر کینگ

رومایی دارم نام یک سخنرانی ۱۷ دقیقه‌ای از مارتین لوتر کینگ است که در ۲۸ اوت ۱۹۶۳ در گردهمایی بزرگ طرفداران تساوی حقوق سیاه پوستان و سفیدپوستان در برابر بنای یادبود لینکلن در واشنگتن دی سی ایراد شد.

رومایی دارم از مهم‌ترین و مشهورترین سخنرانی‌ها در تاریخ آمریکا به‌شمار می‌آید.

مارتین لوتر کینگ در این سخنرانی که در آن عبارت «روایی دارم» تکرار می‌شد، درباره آرزوی خود سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که زمانی در آمریکا طبق مرام و ارمان خویش زندگی کند و تحقق مساوات و برابری ذاتی انسان‌ها را به چشم ببیند.

وی ۵ سال پس از این سخنرانی در ۴ آوریل ۱۹۶۸ در شهر ممفیس ایالت تنسی تئور شد. با اینکه نتایج عملی جنبش شدنژادپرستی را به چشم خود ندید، اما تاثیر عمیقی

در تغییر قوانین تبعیض‌آمیز نژادی برجای گذاشت.

حال باید دید دونالد ترامپ با رویای مارتین لوتر کینگ چه می‌کند و چه آینده‌ای را برای آمریکا رقم می‌زند. آرزویی که کینگ به چشم خود ندید ولی تلاش‌ها و مبارزات و نتیجه داد و توانست شرایط زندگی سیاهان آمریکا را به طور کلی تغییر داده و موقعیتی تازه برای سیاهان ایجاد کند. اما به نظر می‌رسد امروز شرایط آمریکا تغییر

کرده و دولت‌مردان فعلی این کشور دیگر تمایلی به حفظ آرمان‌های آزادی‌خواهانه جنبش مدنی آمریکا ندارند. در شرایط فعلی بازخوانی این سخنرانی که در سال ۲۰۰۴ توسط کتاب‌خانه گنرگه آمریکا تحت عنوان «نثر برجسته فرهنگی و تاریخی ماندگار» به فهرست گنجینه ملی ضبط آمریکا اضافه شد، خالی از لطف نیست و می‌تواند تصویری از آمریکای آن دوره را بازنمایی کند.

متن سخنرانی انجم شده در پارک ملی واشنگتن دی سی:

من امروز رویایی دارم.از این که امروز در تظاهراتی کنار شما هستم که روزی در تاریخ ملت ما به عنوان بزرگ‌ترین رخداد در راستای آزادی به ثبت خواهد رسید، خوشحالم. یکصد سال پیش، یک شهروند بزرگ آمریکایی که ما امروز زیر سایه نمادین او یستادیم، اعلامیه آزادی بردگان را امضا کرد. این فرمان پربار، همچون فانوس دریایی،



الیزابت دوم ملکه انگلستان شد

جورج ششم پادشاه انگلستان درگذشت و دختر ۲۵ ساله اش الیزابت به نام الیزابت دوم بر جای او نشست. الیزابت هنگام مرگ پدر در کنیا و در یک شکار گاه بود که به لندن بازگشت. الیزابت دوم متولد ۲۱ اپریل ۱۹۲۶ میلادی است. او از آن زمان ملکه انگلستان و ۱۵ کشور دیگر عضو جامعه مشترک المنافع است. این جامعه مرکب از مستعمرات و مهاجرنشینان سابق دولت لندن دارای ۵۴ عضو است. حکومت انگلستان پارلمانی است و نخست وزیر (برگزیده مجلس) بر کشور حکومت می‌کند.

➤ [الیزابت دوم ملکه انگلستان شد](#)

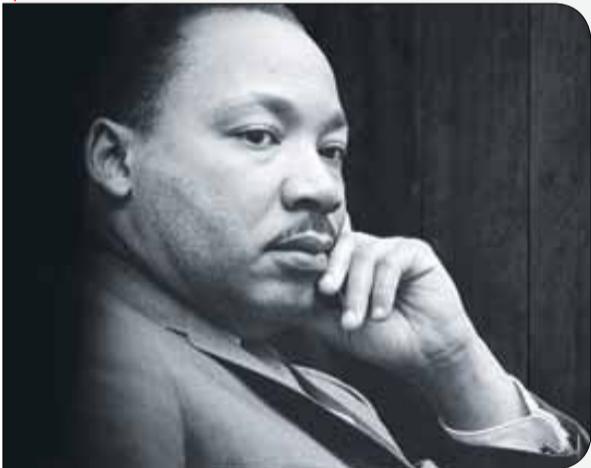
آن گذارد، جنبش در دهه بعد به پیروزی رسید و قانون «حقوق مدنی» به تصویب کنگره رسید.

رزا و خانواده اش چند سال بعد به شهر دیترویت آمریکا نقل مکان کردند، اما کار آن روز وی فراموش نشد هرچا و هروقت که از جنبش حقوق مدنی آمریکا نام برده می شود ، وی نیز مطرح دوباره و از نو مطرح می‌شود و روزنامه‌ها به مناسبت سالروز تولد و سالروز اقدام شجاعانه اش با او مصاحبه می‌کنند و نامش در تاریخ آمریکا ماندگار خواهد ماند. رزا در سال ۲۰۰۵ درگذشت و با احترام تمام و رعایت تشریفات رسمی دفن شد. اما جنبشی که رزا در آن نقش داشت و حرکت‌هایی که بعد از اقدام شجاعانه او شکل گرفت، فرآیندی تازه در روند آزادی انسان‌ها را در کشور مهد دموکراسی آغاز کرد. جنبش مدنی آمریکا البته پیش از اقدام رزا شکل گرفته بود و مارتین لوتر کینگ برای پیشبرد آن تلاش‌های فراوانی کرد تا جایی که جان خود را هم بر سر این موضوع گذاشت. مارتین لوتر کینگ در یک خانواده متوسط در آتلانتا جورجیا به دنیا آمد. پدر و پدربزرگ وی از رهبران فرقه باپتیست (تعمیدگر) بودند و همین تمایلات مذهبی موجب ادامه تحصیل وی در رشته علوم دینی شد. در یازداشت رزا پارکس، کینگ جوان رهبری جنبش تحریم سیاه پوستان را برعهده گرفت و به‌عنوان یک فعال مبارزه با تبعیض نژادی در سرتاسر ایالات متحده آمریکا شهرت یافت. در سال ۱۹۵۷ به‌همراه ۶۰ رهبر سیاه پوست دیگر سازمانی را بنیان گذاشت که بعدها به کنفرانس رهبران مسیحی جنوب شناخته شد.وی در مبارزه علیه نژادپرستی از تعالیم مسیح، ابراهام لینکلن و مهاتما گاندی پیروی می‌کرد. مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۶۲ به‌عنوان مرد سال آسوی مجله تایم برگزیده شد و در سال ۱۹۶۴ به‌عنوان جوان‌ترین فرد جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. اوج فعالیت‌های مبارزاتی مارتین لوتر کینگ در دهه ۱۹۶۰ و برای تصویب قانون حقوق مدنی بود. وی در سال ۱۹۶۳ گروه‌هایی بزرگ طرفداران تساوی حقوق سیاهان که دربرابر بنای یادبود ابراهام لینکلن در واشنگتن دی‌سی بر گزار شد، معروفترین سخنرانی خود را به‌نام «روایی دارم» انجام داد که از مهم‌ترین سخنرانی‌ها در تاریخ آمریکا به‌شمار می‌آید.

دکتر لوتر کینگ در این سخنرانی، که در آن عبارت «روایی دارم» تکرار می‌شد، درباره آرزوی خود سخن گفت و ابراز امیدواری کرد که زمانی آمریکا طبق مرام و ارمان خویش زندگی کند و تحقق مساوات و برابری ذاتی انسان‌ها را به چشم ببیند.

مارتین لوتر کینگ در ۴ آوریل ۱۹۶۸ در شهر ممفیس ایالت تنسی تئور شد. هنگام تئور با آنکه او کملا از سوی پلیس مخفی مراقبت می‌شد، اثری از عامل تئور پیدا نشد.همین موضوع احتمال دست داشتن اف بی آی در این تئور را جدی ساخت. در سال ۱۹۸۶ مقرر شد برای بزرگداشت یاد وی در ایالات متحده آمریکا سومین دوشنبه ماه ژانویه تعطیل رسمی اعلام شود.

➤ [الیزابت دوم ملکه انگلستان شد](#)



بگنارید رنگ آزادی از کوه «واوکوت تنسی» به صدا درآید. بگنارید رنگ آزادی از هر تپه و خاکریز- از هر کوهسار «می‌سی سی پی» به صدا درآید.

بگنارید رنگ آزادی به صدا درآید. و زمانی که چنین شد، زمانی که گذاشتیم رنگ آزادی به صدا درآید- آنگاه که گذاشتیم رنگ آزادی از هر روستا و هر همکده، از هر ایالت و هر شهر به صدا درآید، خواهیم توانست رسیدن آن روزی را جلو بیندازیم که در آن روز همه فرزندان خدا- سیاه و سفید، یهودی و غیریهودی، پروتستان و کاتولیک- خواهند توانست دست در دست هم بگنارند و آن سرود قدسی قدیمی سیاهان را سردهند:

سرانجام ما آزادیم، سرانجام آزادیم، اسپاس خداوند متعال را، سرانجام آزادیم.

➤ [بگنارید رنگ آزادی از کوه «واوکوت تنسی» به صدا درآید.](#)

چاوز در مراسم سال ۲۰۰۶ که به مناسبت این دو سالروز برگزار شده بود خطاب به هوادارانش گفت که برای مسلح کردن مردم جهت دفاع از انقلاب اوسوسیالیسم قرن ۲۱ یک میلیون تنگفک در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و صد هزار تنفگی که از روسیه خریداری شده است مقدمه این کار است.

چاوز پیش از شرکت در مراسم چهارم فوریه ۲۰۰۶، به هاوانا رفته بود تا از دست فیدل کاسترو – آموزگار و مراد خود – تقدیر نامه یونسکو معروف به منال «خوزه مارتی» را دریافت کند . کار چاوز اما به همین جا محدود نشد و ماندگاری بیش از حد او در قدرت و عدم کناره‌گیری‌اش از صحنه سیاسی کشور موجب شد تا گروه‌های زیادی از مردم ونزوئلا علیه او به خیابان‌ها بیایند و سعی در براندازی او داشته باشند. این را می‌توان پیامی از مردم و جامعه ونزوئلا به چاوز دانست. پیامی که هرگز چاوز و نزدیکان او نتوانستند و او تا آخر عمر بر اریکه قدرت باقی ماند. چاوز می‌توانست مانند بسیاری دیگر از رهبران آزادی‌خواه دنیا به اسطوره‌ای در کشور خود تبدیل شود. حال آنکه این اقدام او و عدم تمکین به خواست مردم کشورش موجب شد تا حد زیادی از محبوبیت او کاسته شود. ونزوئلا هنوز هم در گیر سیاست‌ها و برنله‌هایی است که چاوز حتی برای پس از مرگش هم تدارک دیده بود. وابستگی به سیاست‌های چاوزی هنوز هم بر سریر قدرتند و ونزوئلا با سیاست‌های آن‌ها درگیر است.



آنان عبارت بود از: دولت واشنگتن، نه -انقلاب، بله. در انتخابات دسامبر، ده میلیون رای برای چاوز (تجدید انتخاب او) و ...

خوانده شد که تعطیل عمومی است. چاوز در طول زمامداری خود با توجه به تجربه حاصل از نظام های سوسیالیستی در قرن ۲۰ با تفسیر فرضیه های سوسیالیستی مطرح و عقاید سیمون بولیوار – قهرمان ملی آمریکای لاتین فرضیه سوسیالیسم قرن ۲۱ بنا نهاد که دارای چهار ستون اصلی است: توزیع عادلانه درآمد، رفاه و فرصت ها – دموکراسی خلق – استقلال اقتصادی – بازگشت به انسانیت و پایان هر گونه فساد. به این ترتیب، سوسیالیسم چاوز نوعی سوسیالیسم ملی است. در آمریکای لاتین، مردم منطقه خود را اعضای یک ملت واحد می دانند.

چاوز (تلفظ این اسم در آمریکای لاتین، جاولس است) پس از رهایی از زندان (به جرم کودتای فوریه ۱۹۹۲) که در آنجا دچار آسیب چشم شده بود به فعالیت سیاسی برضد طبقه برتری جو و آزمند (حاکمان و ثروتمندان) ادامه داده بود و در انتخابات دسامبر ۱۹۹۸ پیروز شده بود.

چهارم فوریه ۲۰۰۶ به مناسبت دو رویداد مورد بحث، صداها هزار تن از هواداران چاوز از سراسر ونزوئلا به کاراکاس آمده و در حالی که به سبک او کلاه (بره) و پیراهن سرخ برتن داشتند در خیابان های کاراکاس به حرکت درآمده بودند و این منظره، خیابانهای کارکاس را به صورت رودخانه های سرخ درآوردند. بود. علاوه بر هواداران چاوز در کاراکاس، بقیه جمعیت با چهار هزار و ششصد اتوبوس خود را به کاراکاس رسانده بودند و شعارهای